

## جنبش دموکراتیک کارگری



بیانیه ی اعلام موجودیت جنبش دموکراتیک کارگری

با مالکیت خصوصی چند شرکت انگشت شمار امپریالیستی فراملیتی بر ابزار تولید و تمامی نعمات مادی و معنوی جهان، دو و نیم میلیارد کارگر، سه میلیارد کشاورز و بقیه ی مردم جهان در نابرابری و بی حقوقی مطلق در چنگال بی کاری، گرسنگی، اعتیاد، فحشا و ... با مرگ تدریجی گذران زندگی می کنند. آمار زیر خط فقر بودن دوسوم بشریت و فقر مطلق یک میلیارد و شش میلیون نفر، مرگ سالانه ۱۶ میلیون کودک از بیماری و گرسنگی، خرید و فروش یا برده داری جنسی ۴۵ میلیون دختر و زن فلاکت زده توسط چند شرکت بزرگ امپریالیستی، رواج و پخش مواد مخدر توسط سرمایه داری جهانی با سود سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار ( منهای مواد مخدر صنعتی ) به بهای اعتیاد صدها میلیونی زحمت کشان و ... گوشه هایی از اوضاع کنونی هستند. سرمایه داری جهانی این سیستم سود و انباشت سرمایه هرچه بر سرمایه اش افزوده شده و بزرگ تر می شود به همان اندازه درجه ی بهره کشی آن بالا می رود. هر چه پیشرفت و تکامل ابزار تولید بالا می رود به همان اندازه بر بیکاری و خانه خرابی میلیاردها انسان افزوده می گردد. برای سرپوش گذاشتن به این تناقضات ذاتی است که سرمایه ی داری جهانی به کار ارزان و زنان و کودکان، رباخواری و رانت خواری و بورس بازی، فروش مواد مخدر، برده داری جنسی، فروش اعضای بدن و ... روی می آورد و سیاست های نئولیبرالی شرکت های امپریالیستی که از طرف سازمان اقتصاد جهانی و سازمان های وابسته به آن مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دیکته می شود، مانند تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی و پیمان کاری و پولی کردن کلیه ی عرصه های تولید، خدمات، بهداشت و درمان و آموزش و تحصیل و ... ، بیکار سازی میلیونی از طریق نابودی اشتغال دائم با رواج قراردادهای سفید امضا و موقت، برداشتن گمرکات مرزی در جهت نابودی تولیدات داخلی، برداشتن یارانه ها و همه و همه برای سرپانگه داشتن این دیو آدم خوار یعنی سیستم ضدبشری سرمایه داری است که بحران مرگ سراسر وجودش را فرا گرفته است. زحمت کشان جهان در مقابل این یورش سازمان یافته با مبارزات قهرمانانه ی خود پاسخ می دهند و روز به روز بر گستردگی و سازمان یافتگی نبرد طبقاتی آنان افزوده می گردد. کل کشورهای سرمایه داری بزرگ، شاخ آفریقا و خاورمیانه شاهد این مدعاست. شدت یابی نبرد طبقاتی اردوی سرمایه تمامی تعارفات و عوام فریبی های مردم پسندانه مانند انتخابات آزاد، رای همگانی، حق اعتراض و تشکل و تجمع برای زحمت کشان و ... را کنار گذاشته و با افزایش بودجه های نظامی و با تقویت بازوی نظامی خود یعنی ناتو با لشکرکشی های خود ( عراق، افغانستان، آفریقا و ... ) دنیا را به میدان جنگ تبدیل کرده است که یادآور دوران بربریت می باشد. صدا البته چاره ای هم جز این ندارد چرا که با بحران مرگ

دست و پنجه نرم می کند و هر گونه شک و تردید به معنی مرگ فوری آن است. در ایران، هندوراس، تایلند، افغانستان، ساحل عاج و خود آمریکا (نشان دادن بوش به جای کری با رای اکثرال) شعبده ی رای و انتخابات را با کودتا و تقلب کنار می گذارد، در فرانسه پارلمان این تجلی دموکراسی سرمایه داری و اراده ی مردم، در مقابل اراده ی اکثریت مردم یعنی کارگران به نفع چند شرکت امپریالیستی ۲ سال بر سن بازنشستگی می افزاید و خلاصه این که نظام سرمایه داری ماهیت واقعی خود را در معرض دید همگان قرار داده است و به خواب رفتگان و ناآگاهان را بیدار می کند.

نظام سرمایه داری ایران به عنوان جزئی جداناپذیر از سرمایه داری جهانی در تامین مواد خام (نفت) و نیروی کار ارزان و حکومت جمهوری اسلامی به عنوان پاسدار این نظام و سگ زنجیری سرمایه ی جهانی مجری کلیه ی طرح های نئولیبرالی گفته شده مانند خصوصی سازی و پیمان کاری کردن کلیه ی عرصه های تولید، خدمات، بهداشت و درمان، تحصیل و آموزش و در نهایت طرح شیکاگو (حذف یارانه ها) می باشد. بهای این مزدوری و از طرفی غارت عمومی، بیکاری یازده و نیم میلیونی از بیست و چهار و نیم میلیون جمعیت فعال کشور، زیر خط فقر بودن ۸۰ درصد مردم و گرسنگی ۲۰ میلیونی، نابودی کامل تولید داخلی از جمله پوشاک، کفش، قند و شکر، فرش، چای و برنج با حذف گمرکات مرزی به دستور اربابان امپریالیست و برای کسب سودهای میلیاردی توسط سرداران سپاه و سران حکومتی از طریق رانت های دولتی، اضافه شدن ۴ میلیونی کودکان طبقات محروم به خیل بی سوادان، رسیدن سن فاحشگی به ۹ سال و کسب رتبه ی پنجم جهان در صادر کردن زنان و دختران محروم به نقاط مختلف و... است. حکومت فاشیستی-مذهبی ایران، حاکمیت قرون وسطایی عهد عتیق، دشمن هرگونه آزادی و اراده ی مستقل، خصم جانی کارگران، زنان و ملل تحت ستم، حکومت تازیانه، اعدام، زندان و سنگسار، رژیم گرسنگی، بیکاری و اعتیاد و فحشا است، که فقط با سرنگونی آن توسط انقلاب و با اعتصابات عمومی سیاسی و با قیام مسلحانه ی توده های ستم کش و حاکمیت بلاواسطه ی شورایی زحمت کشان می توان به آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت.

ما جمعی از فعالین ضد استبدادی و ضد بهره کشی همگام با تمامی قیام کنندگان علیه بهره کشی و استبداد در جهان پیمان می بندیم که تا نابودی کلیه ی اشکال نابرابری طبقاتی، ملی، جنسیتی و تا نابودی کامل نظام دیکتاتوری و استثمار به مبارزه ی خود تا پای جان ادامه بدهیم و در این راه تجارب و درس های بزرگ انقلاب ۱۳۵۷ و کلیه ی انقلاب های کارگری-مردمی را چراغ راه خود قرار دهیم. این درس ها کدامند:

۱. انقلاب کار توده هاست و آزادی کارگران و ستم کشان به دست خودشان میسر است. هیچ گروهی نمی تواند به جای توده ها انقلاب کند و یا قیام آن ها باشد و بزرگ ترین تجلی مبارزه و انقلاب، اعتصاب عمومی سیاسی و قیام توده ای مسلحانه می باشد.
۲. نابودی قطعی نظام های بهره کشی و استبدادی فقط و فقط با حاکمیت بلا واسطه و مستقیم کارگران و ستم کشان از طریق شوراها، کمیته ها و ... انقلابی به عنوان تنها ابزار اعمال حاکمیت ممکن است.
۳. تنها ضمانت تداوم انقلاب و حفظ دست آوردهای آن و حاکمیت زحمت کشان نابودی کلیه ی ارگان های سرکوب از طریق قیام مسلحانه و وجود ملیشویای توده ای در قالب شوراها و کمیته های انقلابی مسلح بیرون آمده از دل انقلاب می باشد.
۴. آگاهی انقلابی (شناخت دوستان و دشمنان انقلاب، راه ها و اهداف انقلابی و شناخت شرایط جامعه و قوانین تکامل آن) و تشکل های انقلابی-رزمنده (اتحادیه ها، سندیکاها، شوراها و کمیته های انقلابی و احزاب سیاسی) تنها وسیله ی تشکل یا سازمان یابی و هدایت نیروهای مبارزاتی توده ها در شرایط خفقان و دیکتاتوری هستند که بدون آن ها سکان انقلاب به

دست و در نتیجه دام نیروهای ارتجاع و ضدانقلاب افتاده و همانند تجربه ی ۱۳۵۷ استبداد دیگری جای خواهد شد.

۵. رهبری طبقه ی کارگر به عنوان رزمنده ترین نیروی جبهه ی ضداستبدادی که هیچ منافعی در حفظ وضع موجود ندارد و خواهان ریشه کنی آن می باشد و نیز تنها نیرویی که تیر خلاص واقعی را بر استبداد و بهره کشی می زند و هم چنین نیرویی که در ساختن جامعه ی عاری از بهره کشی به عنوان نیروی اصلی تولید نقش اساسی دارد تنها ضامن پیروزی قطعی انقلاب به معنی اجتماعی آن است.

۶. جبهه ی نیروهای انقلابی ضد استبدادی باید بر خلاف سال ۱۳۵۷ خواسته های خود را به صورت یک منشور کامل به عنوان پرچم مبارزه ی خود قرار داده و صف خود را از تمامی کاسه لیسان، سازش کاران و کسانی که به جای انقلاب سازش و اصلاح را تبلیغ می کنند و برای رسیدن به آزادی و برابری به جای مبارزه، کاسه ی گدایی به دست می گیرند جدا کند. لیبرال ها این وردستان حکومت اسلامی در به شکست کشاندن انقلاب ۱۳۵۷ که الان نیز در ترس از انقلاب آینده همراه تمامی دارو دسته های اصلاح طلبان حکومتی و تمامی سوسیال دموکرات های وطنی به جای نابودی قطعی، انقلابی و مسلحانه حکومت قرون وسطایی که زبانی جز سرکوب، زندان، شکنجه، تجاوز و اعدام ندارد به اصطلاح عدم خشونت، رفراوندوم و خیانت به انقلاب را تبلیغ می کنند. بدون خنثی کردن نقش دلالی، نوکر صفتی و سازش کاری و عوام فریبی آن ها در بین مردم انقلاب آینده راه به جایی نخواهد برد.

۷. مهم ترین مساله در شرایط موجود بر خلاف خیانت و توهم پراکنی لیبرال ها و سوسیال دموکرات ها در هم سوئی کامل با بنگاه های خبر پراکنی بی بی سی و صدای آمریکا وجود دیکتاتوری هایی مانند سرداران سپاه، خامنه ای، حسنی مبارک، بن علی، قذافی، خاندان آل سعود و ... به خاطر ادامه ی بهره کشی و غارت توسط شرکت های امپریالیستی و سیاست های دیکته شده نئولیبرالی آنان است که بشریت را به خاک سیاه نشانده. وقتی مردم به جان آمده از بی کاری و گرسنگی در سایه ی پیاده کردن سیاست های نئولیبرالی امپریالیستی مانند خصوصی سازی و برداشتن یارانه ها توسط همین دیکتاتورها به خیابان می ریزند اربابان امپریالیست و نوکران لیبرال آنان دموکرات شده لالایی دموکراسی برای مردم تشنه ی آزادی و نان می خوانند تا آن ها را از انقلاب واقعی و ریشه کن کردن مناسبات بهره کشی و برقراری حاکمیت خودشان بازداشته و نوکران دیگری جای گزین کنند، دست پیش می گیرند تا پس نیفتند.

با توجه به شرایط و تجارب برشمرده در بالا " جنبش دموکراتیک کارگری " با اعلام منشوری پایه و اساس جمعی را می نهد که هم گام با تمامی رزمندگان راه آزادی و برابری و حاکمیت زحمت کشان و به عنوان بخشی متشکل از آنان در جهت ایجاد کمیته ها و تشکل های انقلابی در محل کار و زندگی آن ها اقدام به سازمان دهی مبارزات شان می کند.

پیش به سوی ایجاد تشکل های توده ای زحمت کشان

زنده باد اعتصاب عمومی سیاسی زحمت کشان

زنده باد انقلاب

زنده باد حاکمیت شورایی زحمت کشان